

ادامه از صفحه ۷

دیدار ظریف با سید حسن نصرالله وسعد حریری

حال باید دید که اوضاع بد اقتصادی که روابط حریری و عربستان را به چالش کشیده، چه تأثیری در رویکرد و نگاه او نسبت به نقش ایران در منطقه دارد و گفت‌وگوهای ظریف و او در این باره می‌تواند چه نتیجه‌ای داشته باشد. گفتنی است دیروز وقتی ظریف از سوی خبرنگاران در مورد مواضع گذشته سعد حریری مورد سؤال قرار گرفت، گفت: «ما با نگاه به آینده با جناب آقای حریری ملاقات کردیم و امیدواریم با درایتی که وی و سایر رهبران لبنانی نشان دادند و توانستند مشکل انتخاب رئیس‌جمهوری را خاتمه دهند در آینده نیز مسائل لبنان را حل کنند.» او خاطرنشان کرد که امیدواریم روابط بسیار خوب ایران و لبنان که شامل همه لبنانی‌هاست در زمان نخست‌وزیری ایشان همچنان به پیش برود. وزیر امور خارجه ایران تصریح کرد: «ما معتقدیم هر موفقیتی برای لبنان و مردم لبنان، موفقیت برای ایران است و امیدواریم این پیروزی با تشکیل هر چه سریع‌تر دولت جدید مستحکم‌تر شود.»سفر ظریف به لبنان به دیدار با میشل عون و سعد حریری محدود نبود و در ادامه برنامه‌های خود با «جبران باسیل» همتای لبنانی خود، «نبیه بری» رئیس مجلس، «تمام سلام» نخست‌وزیر عهده‌دار امور جاری و «سید حسن نصرالله» دبیرکل حزب‌الله لبنان نیز گفت‌وگو کرد. او همچنین در جمع ایرانیان مقیم لبنان و نشست مشترک اقتصادی ایران و لبنان حضور یافت و سخنرانی کرد. ظریف در دیدار با «تمام سلام» نخست‌وزیر فعلی لبنان درباره بحران‌های سیاسی منطقه به‌ویژه در سوریه و یمن گفت‌وگو و تأکید کرد: «باید هرچه زودتر جلوی خیزش‌های در این دو کشور گرفته شود.» او بعد از این ملاقات در جمع خبرنگاران گفت: «باید برای راه‌حل سیاسی مناسب به منظور حل این دو بحران پیچیده اندیشیده شود و همه تأکید کنند تنها راه‌حل این بحران‌ها راه‌حل سیاسی است.» ظریف تصریح کرد: «به آقای تمام سلام اعلام کردیم که جمهوری اسلامی ایران از رویکرد سیاسی کنونی در لبنان که رویکرد سازنده‌ای است، حمایت می‌کند. جمهوری اسلامی ایران عزم راسخ دارد همکاری‌های دوجانبه با کشور برادر لبنان را در همه زمینه‌ها به‌ویژه در زمینه اقتصادی و تجاری گسترش دهد.» او بزرگ‌ترین دلیل و نشانه این عزم راسخ را حضور هیات ۳ نفره اقتصادی همراه خود دانست. این طور که «محمد فتحعلی» سفیر جمهوری اسلامی ایران گفته است، این سفر دستاوردها و نتایج خوبی به همراه دارد و انتظار می‌رود همکاری‌های اقتصادی دو کشور را وارد مرحله تازه‌ای کند.

خداحافظی با سمیل آمریکای خوب

آقای می‌پر مخصوصا درباره سیاست خارجی گفته است: «با آینده‌بینی عالی اوامبا، شما مجبور نیستید در هر وضعیت خون‌باری در جهان دخالت کنید تا موقعیت خود را به عنوان یک ملت قدرتمند حفظ کرده یا تداوم بخشید.» گفتنی است، برخی دیگر از تحلیلگران سیاست خارجی اروپا نگاهی منفی‌تر دارند. آنها اعتبار آمریکا در جهان را از دست‌رفته می‌بینند و این وضع را حاصل اعمال نفوذ بیشتر روسیه و چین و رد منافع و خواسته‌های آمریکا از سوی آنها که گاه با احساس مخالفت آشکار همراه است، می‌دانند. جان سی. کورن بلوم، سفیر سابق ایالات متحده در آلمان که در برلین زندگی می‌کند این وضع را حاصل تلقی‌ای از مسئولیت جهانی تحت ریاست‌جمهوری اوامبا می‌داند که به تهاجمی‌ترشدن روسیه و چین در جهان منجر شده است. این تلقی به روسیه اجازه داده به عنوان یک قدرت نظامی و دیپلماتیک به خاورمیانه بازگردد. کورن بلوم می‌گوید: «نیروهای زیادی در کنار سیاست‌های اوامبا در بازی هستند.» او تأیید می‌کند که در آمریکا نوعی خشکی از درگیری‌های خارجی وجود دارد، اما معتقد است پایان جنگ سرد به نقش واشنگتن در اروپا خاتمه نداده است. او می‌گوید: «ما نقش بسیار مهمی در حفظ ثبات داریم و می‌توانیم و باید در اینجا باشیم تا به اروپایی‌ها در گذر از این دوران کمک کنیم.»اما ما از یک نقطه به نقطه دیگر می‌رویم. ما این پیروزی عظیم را در جنگ سرد به دست آورده‌ایم و اساسا «همواره» به من می‌گویند ما به آمریکایی‌ها نیاز داریم. اما آمریکایی‌ها کجا هستند؟ جورج رابرتسون، وزیر دفاع سابق بریتانیا و دبیرکل ناتو، اوامبا را با نقدی کهرنگ تحسین کرده است، او می‌گوید: «اوامبا کم حس آرامش و ثبات در روابط با اروپا را پس از تلاطم‌های دوره بوش به ارمغان آورده است، اما می‌توانست درباره روسیه نیز سخت‌تر کار کند و به پوتین اجازه ندهد با یک جوش به وسط صحنه جهانی بازگردد و قاطعیت غرب را آزمایش کند.» به گفته او این امر در اوکراین و سوریه یک فاجعه بود و میراث آن باقی خواهد ماند.» رابرتسون نیز مانند بسیاری دیگر معتقد است شکست اوامبا در حفظ خط قرمزهای ۲۰۱۳ (اقدام به عملیات نظامی در صورت استفاده سوریه از سلاح‌های شیمیایی) به‌شدت به اعتبار او و ایالات متحده لطمه زده و پوتین، اعراب سنی و تانیاووه رهبر اسرائیل را ناخرسند کرده است. رابرتسون می‌گوید: «رئیس‌جمهور ایالات متحده هرگز نباید یک بیننده بدون عمل باشد، ج‌ه‌ان به رهبری نیاز دارد؛ البته دخالت در امور جهان هزینه دارد. اما احتیاط نیز بها و پیامد‌هایی دارد و این می‌تواند سخت باشد، چنان‌که نوبل چمبرلین در سال‌های ۱۳۹۰ اثبات کرده است «گاهی اوقات این نیاز وجود دارد که قدیمی برداشته شود».

زینب اسماعیلی؛ پنج روز بعد از بزرگداشت سی‌وهفتمین سال تسخیر سفارت آمریکا در تهران، در سه‌شنبه‌ای نوامبری در نیگه دنیا، انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار شد. انتخاباتی که برای دومین‌بار موضوع «ایران» در کارزار انتخاباتی آن اهمیت وافری داشت؛ اما برخلاف انتخابات پیشین این کشور که نظرسنجی‌ها نتیجه آن را پیش‌بینی‌پذیر می‌کرد تا آخرین ساعات قبل از انتخابات مشخص نبود که چه کسی روز چهارشنبه، ردای رئیس‌جمهور ایالات متحده را بر دوش خواهد داشت. دونالد ترامپ جمهوری‌خواه یا هیلاری کلینتون دموکرات. اما در ایران بیشتر به کدام گزینه اقبال وجود داشت؟ تمایل ایرانی‌هایی که پیکسر این انتخابات بودند، چه بود؟ پیروزی هیلاری یا ترامپ؟

جریان‌های فکری دانشگاهی و روشنفکری ایران عمداً به جناح دموکرات علاقه‌مندند اگرچه برخی از بین همین دانشگاهیان هستند که جمهوری‌خواهان را می‌پسندند؛ اما فارغ از نظرات آنها، مقامات عمدا دراین‌باره ژبیروستی عمل می‌کنند؛ خیلی واضح و صریح دراین‌باره سخن نمی‌گویند. اما در چندین دهه پیش‌تر، یعنی سال‌های حکومت شاهنشاهی در ایران، حاکمان بیشتر جمهوری‌خواهان را می‌پسندیدند، حتی در دوران قدرت دموکرات‌ها آنها را «کرخه» (با اشاره به نماد حزب دموکرات) خطاب می‌کردند که نمونه‌اش در خاطرات اسدالله علم دیده می‌شود. علاوه‌براین، ایران از سال‌های تأثیرگذاری بر انتخابات این کشور، دور شده است. سال ۱۹۸۰ انشپیکل نوشته بود «زمانی ایالات متحده می‌توانست تصمیم بگیرد که چه کسی در ایران بر مسند قدرت بنشیند؛ اما امروز آیت‌اللهی در تهران می‌تواند سرنوشته انتخابات ایالات متحده آمریکا را تعیین کند.» بی‌شک مهم‌ترین تأثیرگذاری ایران در انتخابات آمریکا به ماجرای تسخیر سفارت آمریکا در تهران (۱۳ آبان ۵۸) و آزادکردن آنها پس از ۴۴ روز بازمی‌گردد که جیمی کارتر دموکرات را از نشستن دوباره بر صندلی ریاست‌جمهوری محروم و ریگان جمهوری‌خواه را روانه کاخ سفید کرد. اما نگاهی به سابقه این رابطه که از دوران امیرکبیر کلید خورده، نشان می‌دهد که سیاست‌مداران ایران، جمهوری‌خواهان را بیش از دموکرات‌ها می‌پسندند و این را پنهان هم نمی‌کنند. این خوش‌بوش تاریخی با جمهوری‌خواهان ریشه در ماجرای سیاه نفت دارد. از منظر تاریخی حزب جمهوری‌خواه آمریکا به جدگیری‌خان معهدالوزاره بود که بنای سفارت ارضی در آمریکا را که ۲۷ سال است خاک می‌خورد بنا نهاد. همتای او در تهران نیز ساموئل جوردن بود. برخی تاریخ‌پژوهان، سنگ‌بنای رابطه این دو کشور را در تاریخ دیگری می‌یابند. زمانی که تعدادی از مبلغان مسیحی آمریکایی به ایران می‌آیند و شعبه‌ای در ایران تأسیس می‌کنند. این ماجرا به سال ۱۸۲۹ برمی‌گردد.

تأمیل ایرانی‌ها به جمهوری‌خواهان در تمام این دوره‌ها تکرار شده و تنها استثنای این قاعده تأمیل ایرانی‌ها به باراک اوامبای دموکرات در دو دور از انتخابات این کشور بود که بیشتر به نظر می‌رسد مسلمان‌بودن او این فضا را در ایران برایش ایجاد کرد.

اگرچه رابطه ایران و آمریکا از دوران امیرکبیر فراز و فرود داشته؛ اما عمداً دو کشور در سطح بالایی از رابطه بودند؛ اما در سه دهه گذشته این رابطه تنها در چند مقطع خلاصه شده است. ماجرای تسخیر سفارت، ماجرای مک فارلین، مذاکرات درباره عراق، گرفت‌رفتن در محور شرارت طراحی‌شده ازسوی بوش پسر، همکاری غیرعلنی در افغانستان و نهایتاً دیدارهای هسته‌ای وزرای خارجه ایران و آمریکا در دولت یازدهم که علاوه بر دستیابی به توافق، منجر به آزادی سه زندانی ایرانی– آمریکایی و در مقابل آزادسازی مبلغی پول شد. همچنین گفت‌وگوی تلفنی حسن روحانی و باراک اوامبا؛ اما فارغ از این سه، ایران، آمریکا، از آغاز تا دوران پهلوی، روابط چشمگیری با هم داشتند. ایرانیان تا جنگ جهانی دوم به این رابطه خوش‌بین بودند و آمریکا را سرزمین دوری می‌دانستند که رفتار سیاسی‌اش مشابه انگلیس و روسیه نیست. شاید از همین خوش‌بینی بود که در نظم‌دادن به نظام مالی ایران نام افرادی مثل آرتور میلیسپو و مورگان شوستر آمریکایی به چشم می‌خورد. حتی افرادی مثل باسکرویل، آرتور هوپ و ساموئل جوردن کرد. پس‌ازآن هم ورود جهان به جنگ سرد و تغییر معادلات بین‌المللی این نقش را پیچیده‌تر کرد.

بعد از امیرکبیر، آغازی آرام

رهبر تاریخی اصلاحات، به دنبال تلاش برای تغییر ایران در استانبول، دستور داد تا با جورج مارش، وزیرمختار آمریکا، در این شهر ارتباط برقرار کند و پیشنهاد گفت‌وگو بدهد. «تیلور»، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا از این پیشنهاد استقبال و اختیارنامه‌ای صادر کرد. آمریکایی‌ها به دنبال مذاکرات با انگلیس بودند که مذاکرات یک‌ساله‌ای با ایران درباره کشتی‌رانی پیش

گرفته و عهدنامه دوستی امضا کردند؛ اما با مخالفت انگلیس دولت از تصویب این عهدنامه سر باز زد و ماجرای غزل امیرکبیر و تراژدی حمام فین کاشان رخ داد و موضوع به فراموشی سپرده شد؛ اما ناصرالدین شاه بعد از تیرگی رابطه با انگلیس بر سر افغانستان، راهبرد امیرکبیر را ادامه داد و بار دیگر کاردار ایران در استانبول، مذاکره با آمریکا را از سر گرفت. موضوع خرید چند کشتی و استخدام ملوان آمریکایی بود؛ اما در لوی این معامله، آمریکا متعهد شد که جزایر و بنادر ایران را از تسلط دولت انگلیس درآورد دو. در نهایت مذاکرات به سمتی رفت که قرار دوستی و تجاری بین ایران و آمریکا ازسوی «فرانکین پیوس»، رئیس‌جمهوری آمریکا و ناصرالدین شاه قاجار در تاریخ ۲۰ شوال ۱۲۷۳ (۱۳ ژوئن ۱۸۵۷) به امضا رسید. به دنبال آن نخستین سفیر ایران در آمریکا حاج حیدرقلی‌خان معهدالوزاره بود که بنای سفارت ایران شد. در آمریکا را که ۲۷ سال است خاک می‌خورد بنا نهاد. همتای او در تهران نیز ساموئل جوردن بود. برخی تاریخ‌پژوهان، سنگ‌بنای رابطه این دو کشور را در تاریخ دیگری می‌یابند. زمانی که تعدادی از مبلغان مسیحی آمریکایی به ایران می‌آیند و شعبه‌ای در ایران تأسیس می‌کنند. این ماجرا به سال ۱۸۲۹ برمی‌گردد.

رضاشاه، یک سال قطع رابطه

۱۰ سال بعد از دوران شاهنشاهی رضاشاه، ایران و آمریکا قطع یک‌طرفه رابطه و فراخواندن وزیرمختار را تجربه کردند. ماجرای که به دنبال تخلف رانندگی وزیر مختار ایران در ایالت مریلند، به جرمیه‌شدن، درگیری و نهایتاً بازداشت وزیر مختار ایران برجنا شده بود. درحالی‌که رضاشاه انتظار داشت بابت بازداشت نماینده‌اش از ایران عذرخواهی کنند، وزیر خارجه آمریکا تأکید کرده بود نمایندگان کشورها باید قوانین این کشور را رعایت کنند. تذکری که موجب خشم و فراخواندن وزیر مختار به تهران شد. کارکا که آن زمان مسلمان‌بودن او این فضا را در ایران برایش ایجاد کرد. اگرچه رابطه ایران و آمریکا از دوران امیرکبیر فراز و فرود داشته؛ اما عمداً دو کشور در سطح بالایی از رابطه بودند؛ اما در سه دهه گذشته این رابطه تنها در چند مقطع خلاصه شده است. ماجرای تسخیر سفارت، ماجرای مک فارلین، مذاکرات درباره عراق، گرفت‌رفتن در محور شرارت طراحی‌شده ازسوی بوش پسر، همکاری غیرعلنی در افغانستان و نهایتاً دیدارهای هسته‌ای وزرای خارجه ایران و آمریکا در دولت یازدهم که علاوه بر دستیابی به توافق، منجر به آزادی سه زندانی ایرانی– آمریکایی و در مقابل آزادسازی مبلغی پول شد. همچنین گفت‌وگوی تلفنی حسن روحانی و باراک اوامبا؛ اما فارغ از این سه، ایران، آمریکا، از آغاز تا دوران پهلوی، روابط چشمگیری با هم داشتند. ایرانیان تا جنگ جهانی دوم به این رابطه خوش‌بین بودند و آمریکا را سرزمین دوری می‌دانستند که رفتار سیاسی‌اش مشابه انگلیس و روسیه نیست. شاید از همین خوش‌بینی بود که در نظم‌دادن به نظام مالی ایران نام افرادی مثل آرتور میلیسپو و مورگان شوستر آمریکایی به چشم می‌خورد. حتی افرادی مثل باسکرویل، آرتور هوپ و ساموئل جوردن افراد خوش‌نامی در ایران بودند. در حالی‌که یکی از مهم‌ترین مقاطع سیاسی تاریخ ایران، نهضت مشروطه است، بررسی موضوع‌گیری‌ها نشان می‌دهد که سفرای آمریکا در آن مقطع کمتر خواسته‌اند دراین‌باره موافقت با مخالفت جدی از خود نشان بدهند. به نوعی تلاش می‌کردند دراین‌باره بی‌طرفانه عمل کنند و تنها گاهی دراین‌باره سخن گفته‌اند.

اما کودتای ۲۸ مرداد و نقش آمریکا در سرنگونی دولت ملی دکتر مصدق، حضور نظامیان آمریکایی در جریان جنگ جهانی دوم در ایران و همکاری سیا در تشکیل ساواک جزء مواردی است که به این تصویر مثبت در نگاه مردم آن زمان خدشه جدی وارد کرد. پس‌ازآن هم ورود جهان به جنگ سرد و تغییر معادلات بین‌المللی این نقش را پیچیده‌تر کرد.

بعد از امیرکبیر، آغازی آرام
رهبر تاریخی اصلاحات، به دنبال تلاش برای تغییر ایران در استانبول، دستور داد تا با جورج مارش، وزیرمختار آمریکا، در این شهر ارتباط برقرار کند و پیشنهاد گفت‌وگو بدهد. «تیلور»، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا از این پیشنهاد استقبال و اختیارنامه‌ای صادر کرد. آمریکایی‌ها به دنبال مذاکرات با انگلیس بودند که مذاکرات یک‌ساله‌ای با ایران درباره کشتی‌رانی پیش

دیپلماسی



مور ۳۰۰ سال رابطه ایران و آمریکا به بهانه انتخاب مستأجر بعدی کاخ سفید

پس از اوامبا

آنچه وضعیت را پیچیده‌تر می‌کرد، جنگ سرد و رقابت دو ابرقدرت آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی بود که برای پیشگیری از گرایش ایرانی‌ها به جبهه سرخ‌ها، آمریکا از ایران حمایت بیشتری می‌کرد و در مواردی نفوذ خود را هم افزون می‌کرد.

بر تخت پادشاهی نشستن محمدرضاشاه، هم‌زمان بود با دولت آیزنهاور جمهوری‌خواه که بزرگ‌ترین دغدغه‌اش مهار کمونیسم بود. او این هدف را با تقویت شاه در منطقه پی می‌گرفت و در مقابل امتیازات نفتی از ایران می‌گرفت.

کمک مالی نافرجام تهران

هفت سال بعد از کودتای ۲۸ مرداد، محمدرضا پهلوی احساس می‌کرد حالا نوبت اوست که نقش مثبتی در کمپ جمهوری‌خواهان ایفا کند. در رقابت بین ریچارد نیکسون جمهوری‌خواه و جان اف. کندی دموکرات، او کمک‌های مالیی برای جمهوری‌خواهان ارسال کرد. چه آنکه نیکسون هم غریبه نبود؛ او معاون آیزنهاور بود و جلسات مربوط به کودتا در دفتر او برگزار می‌شد. اما نوبت دموکرات‌ها بود که از صندوق درآیند. کندی جوان در دولتش دکترین «نجات آزادی» را مطرح کرد و بر فضای باز سیاسی و اقتصادی در کشورها جهان تأکید داشت. اجرای اصلاحات ارضی در ایران، آزادی فعالیت احزاب و به طور کلی انقلاب سفید، به نظر می‌رسد میوه‌های دکترین کندی بودند. با ترور کندی دوره جانسون دموکرات آغاز شد که شاه ایران در همان سال‌ها، قانون کاپیتولاسیون و مصونیت کامل سیاسی به کارکنان نیروهای مسلح آمریکایی مستقر در ایران را در مجلس به تصویب رساند. جانسون هم در مقابل موانع تأمین سلاح‌های پیشرفته به ایران را برداشت.

انتخاب ژاندارم

سال ۱۹۶۰ نوبت به ریچارد نیکسون رسید. او همکاری نظامی با ایران را افزایش داد. این رهبر جمهوری‌خواه مثل اسلاشف از نقش‌شنووری می‌ترسید؛ ازاین‌رو، ایران در مقابل اعراب و اتحاد جماهیر شوروی، عنوان ژاندارم منطقه را گرفت. او سال ۵۱ به تهران سفر کرد تا درباره موافقت‌نامه تسلیحاتی مذاکره کند. زمان زیادی طول نکشید که پایگاه‌های نظامی آمریکا در شمال و جنوب کشور سربزآورند؛ اما نیکسون با رسوایی واترگیت متعسف داد و نوبت به هم‌حزبی‌اش جرال فورد رسید که مقابل جیمی کارتر دموکرات گزینه مطلوب‌تری برای پهلوی‌ها بود. چه آنکه از همان ابتدا کارتر به دنبال حقوق بشر بود. فورد هم در همان کارزار انتخاباتی از فروش اسلحه به ایران استقبال کرده بود. سال ۱۳۵۵ شاه دوباره به فکر دریافت مالی از کاندیدای مورد علاقه‌اش در انتخابات آمریکا افتاد و ۱۲۰ میلیون دلار از طریق اردشیر زاهدی در اختیار کمپ انتخاباتی جمهوری‌خواهان قرار داد. این‌بار دموکرات‌ها شکمین شدند. این خشم منجر به ارسال پیام شفاهی رئیس‌جمهور کارتر به محمدرضا شد که او را برای ملاقات با رئیس‌جمهور دموکرات راهی واشنگتن کرد. آن سال‌ها دیگر صدای انقلابیو بلند شده بود و تجمع دانشجویان ایرانی مخالف شاه در خیابان‌های اطراف کاخ سفید و پرتاب گاز اشک‌آور اشک میهمان و میزبان را درآورد.

کارتر-ریگان؛ انقلاب ایران

کارتر در دوران ریاست‌جمهوری خود با زمزمه‌های انقلاب ایران به عنوان یک جنبش مردمی روبه‌رو بود؛ آن‌هم در شرایطی که خود به عنوان یک دموکرات، تمایل داشت محمدرضا‌شاه اصلاحاتی در نظام سیاسی کشور انجام دهد. کارتر کرسیسی ۵۶ را به انتخاب همسرش، در ایران گذراند. رقیب جمهوری‌خواهش در انتخابات پیش‌رویشان، رونالد ریگان، هم ابردیشت ۵۷ به تهران سفر کرد. کم‌وکیف رابطه ریگان و کارتر با محمدرضا شاه، بیش از هر چیز تأثیرت‌انقلاب بر ۵۷ قرار گرفت؛ اتفاقی که با پیروزی انقلاب و تسخیر سفارت آمریکا در تهران، کارتر را از دوباره نشستن بر صندلی ریاست‌جمهوری ایالات متحده بازداشت و ریگان را راهی کاخ سفید کرد تا سه دهه قطع رابطه بازرگشت محمدرضا پهلوی به تهران آماده کرده بودند.

پاشنه آشیل واشنگتن؛ جنگ سرد

دوران شاهنشاهی محمدرضا پهلوی پر از فرازونشیب بین تهران و واشنگتن بود. قیمت نفت و نقش ایران در اوپک آن چنان پراهمیت بود که همچنان جمهوری‌خواهان به تهران نزدیک‌تر از انتخابات‌ها باشند. این‌بار اما دموکرات‌ها وقتی بر مسند قدرت می‌ن نشستند، دنبال انجام اصلاحات در ایران بودند. اما

برده و رفاقت‌ها نبود. ماشین طراحی‌های سهمگین در واشگتن، روشن شده بود و ماجرای طیس و چند سال بعد، سرنگونی هواییامی مسافربری ایرباس به وقوع پیوست.

دولت کارتر که نوامبر ۱۹۸۰، انتخابات سختی در پیش داشت، برای آزادی گروگان‌هایش از سفارت که حالا لانه جاسوسی خوانده می‌شد، شش ماه قبل از انتخابات دست به عملیات طیس زد؛ عملیاتی که ناکام ماند.

با آغاز جنگ ایران و عراق، حکایت رابطه ایران با اغلب کشورها، پیچیده شد؛ با آمریکا پیچیده‌تر. در آن سال‌ها به نظر می‌رسد مهم‌ترین اشتاق بین دو کشور، ماجرای مذاکره بر سر دستیابی به موشک «هاک» بود که با عنوان مک‌فارلین در ایران و افتضاح ایران– کنترا در واشنگتن معروف شد. مک‌فارلین، مشاور عالی امنیت ملی در دولت رونالد ریگان جمهوری‌خواه بود که خرداد ۱۳۴۵ به همراه گروهی از دیپلمات‌های آمریکایی، در سفری مخفیانه، با هویت جعلی ایرلندی، به تهران آمد و تلاش کرد با استفاده از شرایط جنگ ایران و عراق و وعده فروش موشک‌های هاک به ایران، باب گفت‌وگو را با مقامات سیاسی ایران بگشاید. او دو هدف را در این سفر دنبال می‌کرد؛ نخست درخواست ماینجی‌گری ایران برای آزادی هفت گروگان آمریکایی در لبنان که آمریکا تصور می‌کرد در اختیار حزب‌الله لبنان هستند و دیگری، فراهم‌آوردن فضایی مثبتی بر احترام، اعتماد و اطمینان متقابل برای ایجاد دوره جدیدی از روابط دوجانبه. اما این سفر در نهایت با افشای سفر و محتوای مذاکرات و البته خودداری مقامات ارشد سیاسی ایران از دیدار با هیأت آمریکایی، ناکام ماند و به ماجرای «ایران‌کیت» مشهور شد. اما آنچه ریگان را در آمریکا زیر فشار برد، دادن پول فروش این تسلیحات به‌طور پنهانی به ضدانقلابیون نیکاراگوه معروف به کنترا بود.

درهای رابطه بعد از این– ماجرا بسته شد. واشنگتن در سرمای ارتباطی، تنها به پیام‌های منفی علیه هم بسنده می‌کردند اما در داخل ایران، وضعیت حاکم بود؛ شعار مرگ بر آمریکا به یک شعار غیرقابل‌تغییر بدل شد.

اگرچه برخی از تلاش دولت هاشمی برای مذاکره با آمریکا سخنی می‌گویند؛ اما این اتفاق رخ نداد. نه در دولت بوش پدر جمهوری‌خواه و نه در دولت بیل کلینتون دموکرات. کلینتون حتی شروع به افزایش تحریم‌ها علیه ایران کرد؛ اجرای اصلاحات ارضی در سال ۵۸، تحریم‌هایی علیه ایران وضع شده بود. بیل کلینتون در مارس ۱۹۹۵، با صدور فرمانی اجرائی، تجارت آمریکا را در صنعت نفت ایران ممنوع کرد. چند ماه بعد، هرگونه تجارت آمریکا را با ایران ممنوع کرد. درحالی‌که رقم تجارت ایران با آمریکا بعد از پایان جنگ در حال رشد بود.

با انتخاب سیدمحمد خاتمی به عنوان رئیس‌جمهوری اصلاح‌طلب، کلینتون دموکرات برخی تحریم‌ها را کاهش داد. او تمایل داشت رابطه با ایران را از سر بگیرد؛ چراکه اروپایی‌ها به رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب ایران اقبال خوبی نشان داده بودند؛ اما درحالی‌که کلینتون منتظر ملاقات با رئیس‌محمد خاتمی در محوطه سازمان ملل بود، او از این رویارویی اجتناب کرد. فضای سیاسی داخلی در آن سال‌ها آنچنان سخت بود که حتی مصاحبه رئیس‌جمهوری اصلاحات با سی‌ان‌ان به عنوان یک رسانه آمریکایی، به مذاق بسیاری خوش نیامد. سال‌های پایانی این دولت به آغاز مذاکرات هسته‌ای ایران با تروینکای اروپایی گره خورد که بسیاری معتقدند حضورنداشتن آمریکا، مانع از دستیابی به توافق پایدار شد. سال‌های پُر از بدبیناری دولت خاتمی، هم‌زمان شد با حادثه تروررستی ۱۱ سپتامر؛ اگرچه ایران بابت این اتفاق، در همان ساعات اولیه ایران تا تأسف و همدردی کرد؛ اما چندی نگذشت که بوش پسر، ایران را در محور شرارت و تهدید افغانستان و عراق قرار داد. آنچه موجب لشکرکشی به عراق و افغانستان و صدها هزار کشته و زخمی شد و نگرانی از حمله به ایران که در دو دهه گذشته اوج و فرود داشته؛ اما در سال‌های پایانی دوره احمدی‌نژاد نگران‌کننده‌تر شد.

در همان زمان سه دوره مذاکره ایران و آمریکا بر سر عراق انجام شد که آن‌زمان علنی نبود. محمود احمدی‌نژاد بیش از دیگر اسلاشف، علاقه‌مند به آغاز روابط با آمریکا بود؛ آنچنان‌که نامه‌های بی‌باستخس به اوامبا، رزنازد عام و خاص شد. آمریکا اواخر دولت احمدی‌نژاد، مذاکره مخفیانه با ایران بر سر برنامه هسته‌ای را در عراق از سر گرفت؛ اما این مذاکرات در دولت حسن روحانی اوج گرفت و سرانجام به توافق هسته‌ای رسید.

سه دهه خصومت دو کشور، فعلا با گفت‌وگوی تلفنی ۹ دقیقه‌ای در رئیس‌جمهور (حسن روحانی – باراک اوامبا) مذاکرات دوجانبه‌وزاری خارجه ایران و آمریکا (جواد ظریف– جان کری)، در هر حضور هیأت دیپلماتیک آمریکا در محل اقامت سفیر ایران در تحریم‌ها و شدیدترشد آنها در علیه تهران به انجام رساند. حتی گفته شد جلسات محرمانه‌ای برای اینکه حتماً حمله به ایران را بررسی کنند، در دولت او تشکیل شد؛ اما آنها بالاخره تحریم بیشتر، سپس مذاکره و درنهایت توافق را انتخاب کردند.

سه دهه خصومت دو کشور، فعلا با گفت‌وگوی تلفنی ۹ دقیقه‌ای در رئیس‌جمهور (حسن روحانی – باراک اوامبا) مذاکرات دوجانبه‌وزاری خارجه ایران و آمریکا (جواد ظریف– جان کری)، در هر حضور

هیأت دیپلماتیک آمریکا در محل اقامت سفیر ایران در تحریم‌ها و شدیدترشد آنها در علیه تهران به انجام رساند. حتی گفته شد جلسات محرمانه‌ای برای اینکه حتماً حمله به ایران را بررسی کنند، در دولت او تشکیل شد؛ اما آنها بالاخره تحریم بیشتر، سپس مذاکره و درنهایت توافق را انتخاب کردند.

سه دهه خصومت دو کشور، فعلا با گفت‌وگوی تلفنی ۹ دقیقه‌ای در رئیس‌جمهور (حسن روحانی – باراک اوامبا) مذاکرات دوجانبه‌وزاری خارجه ایران و آمریکا (جواد ظریف– جان کری)، در هر حضور

هیأت دیپلماتیک آمریکا در محل اقامت سفیر ایران در تحریم‌ها و شدیدترشد آنها در علیه تهران به انجام رساند. حتی گفته شد جلسات محرمانه‌ای برای اینکه حتماً حمله به ایران را بررسی کنند، در دولت او تشکیل شد؛ اما آنها بالاخره تحریم بیشتر، سپس مذاکره و درنهایت توافق را انتخاب کردند.

سه دهه خصومت دو کشور، فعلا با گفت‌وگوی تلفنی ۹ دقیقه‌ای در رئیس‌جمهور (حسن روحانی – باراک اوامبا) مذاکرات دوجانبه‌وزاری خارجه ایران و آمریکا (جواد ظریف– جان کری)، در هر حضور

هیأت دیپلماتیک آمریکا در محل اقامت سفیر ایران در تحریم‌ها و شدیدترشد آنها در علیه تهران به انجام رساند. حتی گفته شد جلسات محرمانه‌ای برای اینکه حتماً حمله به ایران را بررسی کنند، در دولت او تشکیل شد؛ اما آنها بالاخره تحریم بیشتر، سپس مذاکره و درنهایت توافق را انتخاب کردند.

سه دهه خصومت دو کشور، فعلا با گفت‌وگوی تلفنی ۹ دقیقه‌ای در رئیس‌جمهور (حسن روحانی – باراک اوامبا) مذاکرات دوجانبه‌وزاری خارجه ایران و آمریکا (جواد ظریف– جان کری)، در هر حضور

هیأت دیپلماتیک آمریکا در محل اقامت سفیر ایران در تحریم‌ها و شدیدترشد آنها در علیه تهران به انجام رساند. حتی گفته شد جلسات محرمانه‌ای برای اینکه حتماً حمله به ایران را بررسی کنند، در دولت او تشکیل شد؛ اما آنها بالاخره تحریم بیشتر، سپس مذاکره و درنهایت توافق را انتخاب کردند.

سه دهه خصومت دو کشور، فعلا با گفت‌وگوی تلفنی ۹ دقیقه‌ای در رئیس‌جمهور (حسن روحانی – باراک اوامبا) مذاکرات دوجانبه‌وزاری خارجه ایران و آمریکا (جواد ظریف– جان کری)، در هر حضور

هیأت دیپلماتیک آمریکا در محل اقامت سفیر ایران در تحریم‌ها و شدیدترشد آنها در علیه تهران به انجام رساند. حتی گفته شد جلسات محرمانه‌ای برای اینکه حتماً حمله به ایران را بررسی کنند، در دولت او تشکیل شد؛ اما آنها بالاخره تحریم بیشتر، سپس مذاکره و درنهایت توافق را انتخاب کردند.

سه دهه خصومت دو کشور، فعلا با گفت‌وگوی تلفنی ۹ دقیقه‌ای در رئیس‌جمهور (حسن روحانی – باراک اوامبا) مذاکرات دوجانبه‌وزاری خارجه ایران و آمریکا (جواد ظریف– جان کری)، در هر حضور

هیأت دیپلماتیک آمریکا در محل اقامت سفیر ایران در تحریم‌ها و شدیدترشد آنها در علیه تهران به انجام رساند. حتی گفته شد جلسات محرمانه‌ای برای اینکه حتماً حمله به ایران را بررسی کنند، در دولت او تشکیل شد؛ اما آنها بالاخره تحریم بیشتر، سپس مذاکره و درنهایت توافق را انتخاب کردند.

سه دهه خصومت دو کشور، فعلا با گفت‌وگوی تلفنی ۹ دقیقه‌ای در رئیس‌جمهور (حسن روحانی – باراک اوامبا) مذاکرات دوجانبه‌وزاری خارجه ایران و آمریکا (جواد ظریف– جان کری)، در هر حضور

هیأت دیپلماتیک آمریکا در محل اقامت سفیر ایران در تحریم‌ها و شدیدترشد آنها در علیه تهران به انجام رساند. حتی گفته شد جلسات محرمانه‌ای برای اینکه حتماً حمله به ایران را بررسی کنند، در دولت او تشکیل شد؛ اما آنها بالاخره تحریم بیشتر، سپس مذاکره و درنهایت توافق را انتخاب کردند.

سه دهه خصومت دو کشور، فعلا با گفت‌وگوی تلفنی ۹ دقیقه‌ای در رئیس‌جمهور (حسن روحانی – باراک اوامبا) مذاکرات دوجانبه‌وزاری خارجه ایران و آمریکا (جواد ظریف– جان کری)، در هر حضور

هیأت دیپلماتیک آمریکا در محل اقامت سفیر ایران در تحریم‌ها و شدیدترشد آنها در علیه تهران به انجام رساند. حتی گفته شد جلسات محرمانه‌ای برای اینکه حتماً حمله به ایران را بررسی کنند، در دولت او تشکیل شد؛ اما آنها بالاخره تحریم بیشتر، سپس مذاکره و درنهایت توافق را انتخاب کردند.

سه دهه خصومت دو کشور، فعلا با گفت‌وگوی تلفنی ۹ دقیقه‌ای در رئیس‌جمهور (حسن روحانی – باراک اوامبا) مذاکرات دوجانبه‌وزاری خارجه ایران و آمریکا (جواد ظریف– جان کری)، در هر حضور

هیأت دیپلماتیک آمریکا در محل اقامت سفیر ایران در تحریم‌ها و شدیدترشد آنها در علیه تهران به انجام رساند. حتی گفته شد جلسات محرمانه‌ای برای اینکه حتماً حمله به ایران را بررسی کنند، در دولت او تشکیل شد؛ اما آنها بالاخره تحریم بیشتر، سپس مذاکره و درنهایت توافق را انتخاب کردند.

سه دهه خصومت دو کشور، فعلا با گفت‌وگوی تلفنی ۹ دقیقه‌ای در رئیس‌جمهور (حسن روحانی – باراک اوامبا) مذاکرات دوجانبه‌وزاری خارجه ایران و آمریکا (جواد ظریف– جان کری)، در هر حضور

هیأت دیپلماتیک آمریکا در محل اقامت سفیر ایران در تحریم‌ها و شدیدترشد آنها در علیه تهران به انجام رساند. حتی گفته شد جلسات محرمانه‌ای برای اینکه حتماً حمله به ایران را بررسی کنند، در دولت او تشکیل شد؛ اما آنها بالاخره تحریم بیشتر، سپس مذاکره و درنهایت توافق را انتخاب کردند.

سه دهه خصومت دو کشور، فعلا با گفت‌وگوی تلفنی ۹ دقیقه‌ای در رئیس‌جمهور (حسن روحانی – باراک اوامبا) مذاکرات دوجانبه‌وزاری خارجه ایران و آمریکا (جواد ظریف– جان کری)، در هر حضور

هیأت دیپلماتیک آمریکا در محل اقامت سفیر ایران در تحریم‌ها و شدیدترشد آنها در علیه تهران به انجام رساند. حتی گفته شد جلسات محرمانه‌ای برای اینکه حتماً حمله به ایران را بررسی کنند، در دولت او تشکیل شد؛ اما آنها بالاخره تحریم بیشتر، سپس مذاکره و درنهایت توافق را انتخاب کردند.

سه دهه خصومت دو کشور، فعلا با گفت‌وگوی تلفنی ۹ دقیقه‌ای در رئیس‌جمهور (حسن روحانی – باراک اوامبا) مذاکرات دوجانبه‌وزاری خارجه ایران و آمریکا (جواد ظریف– جان کری)، در هر حضور

هیأت دیپلماتیک آمریکا در محل اقامت سفیر ایران در تحریم‌ها و شدیدترشد آنها در علیه تهران به انجام رساند. حتی گفته شد جلسات محرمانه‌ای برای اینکه حتماً حمله به ایران را بررسی کنند، در دولت او تشکیل شد؛ اما آنها بالاخره تحریم بیشتر، سپس مذاکره و درنهایت توافق را انتخاب کردند.

سه دهه خصومت دو کشور، فعلا با گفت‌وگوی تلفنی ۹ دقیقه‌ای در رئیس‌جمهور (حسن روحانی – باراک اوامبا) مذاکرات دوجانبه‌وزاری خارجه ایران و آمریکا (جواد ظریف– جان کری)، در هر حضور

هیأت دیپلماتیک آمریکا در محل اقامت سفیر ایران در تحریم‌ها و شدیدترشد آنها در علیه تهران به انجام رساند. حتی گفته شد جلسات محرمانه‌ای برای اینکه حتماً حمله به ایران را بررسی کنند، در دولت او تشکیل شد؛ اما آنها بالاخره تحریم بیشتر، سپس مذاکره و درنهایت توافق را انتخاب کردند.

سه دهه خصومت دو کشور، فعلا با گفت‌وگوی تلفنی ۹ دقیقه‌ای در رئیس‌جمهور (حسن روحانی – باراک اوامبا) مذاکرات دوجانبه‌وزاری خارجه ایران و آمریکا (جواد ظریف– جان کری)، در هر حضور

هیأت دیپلماتیک آمریکا در محل اقامت سفیر ایران در تحریم‌ها و شدیدترشد آنها در علیه تهران به انجام رساند. حتی گفته شد جلسات محرمانه‌ای برای اینکه حتماً حمله به ایران را بررسی کنند، در دولت او تشکیل شد؛ اما آنها بالاخره تحریم بیشتر، سپس مذاکره و درنهایت توافق را انتخاب کردند.

سه دهه خصومت دو کشور، فعلا با گفت‌وگوی تلفنی ۹ دقیقه‌ای در رئیس‌جمهور (حسن روحانی – باراک اوامبا) مذاکرات دوجانبه‌وزاری خارجه ایران و آمریکا (جواد ظریف– جان کری)، در هر حضور

هیأت دیپلماتیک آمریکا در محل اقامت سفیر ایران در تحریم‌ها و شدیدترشد آنها در علیه تهران به انجام رساند. حتی گفته شد جلسات محرمانه‌ای برای اینکه حتماً حمله به ایران را بررسی کنند، در دولت او تشکیل شد؛ اما آنها بالاخره تحریم بیشتر، سپس مذاکره و درنهایت توافق را انتخاب کردند.

سه دهه خصومت دو کشور، فعلا با گفت‌وگوی تلفنی ۹ دقیقه‌ای در رئیس‌جمهور (حسن روحانی – باراک اوامبا) مذاکرات دوجانبه‌وزاری خارجه ایران و آمریکا (جواد ظریف– جان کری)، در هر حضور

هیأت دیپلماتیک آمریکا در محل اقامت سفیر ایران در تحریم‌ها و شدیدترشد آنها در علیه تهران به انجام رساند. حتی گفته شد جلسات محرمانه‌ای برای اینکه حتماً حمله به ایران را بررسی کنند، در دولت او تشکیل شد؛ اما آنها بالاخره تحریم بیشتر، سپس مذاکره و درنهایت توافق را انتخاب کردند.

سه دهه خصومت دو کشور، فعلا با گفت‌وگوی تلفنی ۹ دقیقه‌ای در رئیس‌جمهور (حسن روحانی – باراک اوامبا) مذاکرات دوجانبه‌وزاری خارجه ایران و آمریکا (جواد ظریف– جان کری)، در هر حضور

هیأت دیپلماتیک آمریکا در محل اقامت سفیر ایران در تحریم‌ها و شدیدترشد آنها در علیه تهران به انجام رساند. حتی گفته شد جلسات محرمانه‌ای برای اینکه حتماً حمله به ایران را بررسی کنند، در دولت او تشکیل شد؛ اما آنها بالاخره تحریم بیشتر، سپس مذاکره و درنهایت توافق را انتخاب کردند.

سه دهه خصومت دو کشور، فعلا با گفت‌وگوی تلفنی ۹ دقیقه‌ای در رئیس‌جمهور (حسن روحانی – باراک اوامبا) مذاکرات دوجانبه‌وزاری خارجه ایران و آمریکا (جواد ظریف– جان کری)، در هر حضور

هیأت دیپلماتیک آمریکا در محل اقامت سفیر ایران در تحریم‌ها و شدیدترشد آنها در علیه تهران به انجام رساند. حتی گفته شد جلسات محرمانه‌ای برای اینکه حتماً حمله به ایران را بررسی کنند، در دولت او تشکیل شد؛ اما آنها بالاخره تحریم بیشتر، سپس مذاکره و درنهایت توافق را انتخاب کردند.

سه دهه خصومت دو کشور، فعلا با گفت‌وگوی تلفنی ۹ دقیقه‌ای در رئیس‌جمهور (حسن روحانی – باراک اوامبا) مذاکرات دوجانبه‌وزاری خارجه ایران و آمریکا (جواد ظریف– جان کری)، در هر حضور

هیأت دیپلماتیک آمریکا در محل اقامت سفیر ایران در تحریم‌ها و شدیدترشد آنها در علیه تهران به انجام رساند. حتی گفته شد جلسات محرمانه‌ای برای اینکه حتماً حمله به ایران را بررسی کنند، در دولت او تشکیل شد؛ اما آنها بالاخره تحریم بیشتر، سپس مذاکره و درنهایت توافق را انتخاب کردند.

سه دهه خصومت دو کشور، فعلا با گفت‌وگوی تلفنی ۹ دقیقه‌ای در رئیس‌جمهور (حسن روحانی – باراک اوامبا) مذاکرات دوجانبه‌وزاری خارجه ایران و آمریکا (جواد ظریف– جان کری)، در هر حضور

هیأت دیپلماتیک آمریکا در محل اقامت سفیر ایران در تحریم‌ها و شدیدترشد آنها در علیه تهران به انجام رساند. حتی گفته شد جلسات محرمانه‌ای برای اینکه حتماً حمله به ایران را بررسی کنند، در دولت